

آتشکده های کهن در پرتو کشف ملِ هیرم*

باربارا کایم

دانشگاه ورشو، مؤسسه باستان شناسی

ترجمه حمید رضا سروری

برای سالهایی چند آتشکده های کهن و جدید توجه متخصصان مذهب و معماری ایرانی را به خود جلب نمودند. بسیاری از کوشش‌ها به درک چگونگی و گونه شناختی ساختار معماری و شرح و توضیح تغییر تدریجی آنها به وسیله طبقه بندی چگونگی سوختن آتش درون آتشکده ها منجر شد.^۱ طی سالهای اخیر دو آتشکده پیدا شد. بندیان (Bandian) در شمال شرقی ایران و ملِ هیرم (Mele Hairam) در جنوب ترکمنستان.^۲ ساختار هر دوی آنها ممکن است خارج از موضوع تحقیقی که در بالا به آن اشاره شد قرار گیرد.

به هر حال پیش از وجود نتایج اخیر، سودمند به نظر می رسد که جمع آوری دوباره ای داشته باشیم و نکات برجسته و خیلی مهم را که با این بناها ارتباط داشتند و هم اکنون هم مشهورند را بازنگری کنیم و کارهای ویژه، مقدس و ریشه داری را که به وسیله وسایل و تجهیزات مشخص انجام می گرفته را در آنها بیابیم. قدیمی ترین شناسایی از بقایای آتشکده ای ایرانی مربوط به آتشکده ای است که در کوه خواجه سیستان یافت شده و با احتمال به سده دوم یا نخست پیش از میلاد یعنی به دوره سلوکی یا اوایل دوره اشکانی نسبت داده شده^۳ این نیایشگاه دارای یک اتاق اصلی راست گوشه در ابعاد (۱۲/۵ × ۱۴/۵) متر بود که توسط راهرو باریکی با اتاق اصلی راست گوشه کوچکی در ابعاد (۱۲/۵ × ۶) متر ارتباط داشت. سپس نیایشگاه در دوره ساسانی دوباره تغییر مدل یافت که عبارت بود از یک چهارتاقی (۱۰ × ۱۰) متری و یک اتاق کوچک که پشت آن واقع شده بود. هر اتاق دارای یک راهرو بود که تقریباً یک متر پهنا داشت (تصویر ۱). ارنست هرتسفلد در مرکز چهارتاقی پایه آتشدان را یافت سنگ سکوی آتشدان در حالیکه واژگون گردیده بود در نزدیک پایه آتشدان یافت گردید.^۴

^۱ - K. Schippman, *Die iranischen Feuerheiligtümer*, Berlin-New York 1971, pp. 510-513; G. Gropp, *Die Funktion des Feuertemples der Zoroaster*, AMI NF 2, 1969, pp. 166-173; D. Huff, *Der Takht-I Nishin in Firuzabad*, AA 1972, 517 ff; id., *Das Imamzadeh Sayyid Husain und E. Herzfeld Theorie Über den Sasanidischen Feuertempel*, StIr 11, 1982, pp. 197-212.

^۲ - M. Rahbar, *Découverte d'un monument d'époque sassanide à Bandian*, Dargaz (Nord Khorassan). Fouilles 1994 et 1995, StIr 27, 1998, pp. 213-250.

^۳ - B. Kaim, *Un temple du feu sassanide découvert à Mele Hairam*, Turkmenistan Méridional, StIr 32, 2002, pp. 215-230.

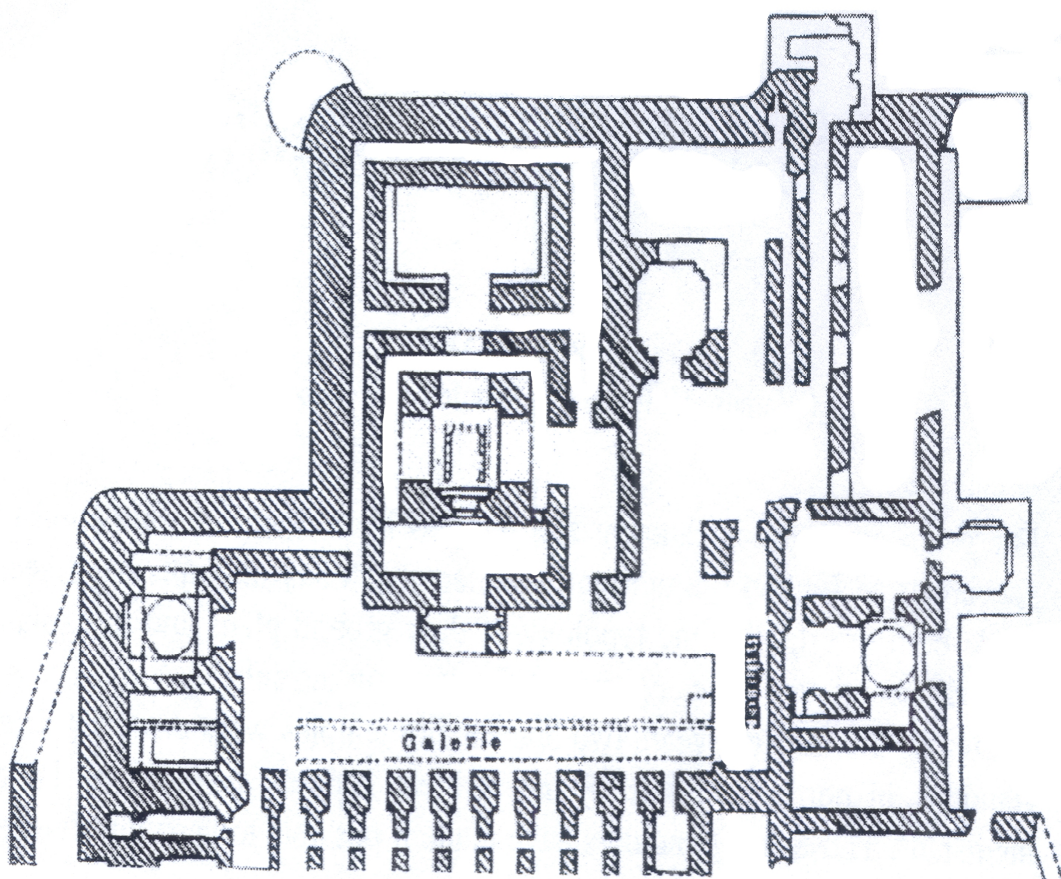
^۴ - G. Gullini, *Architectura iranica dagli Achemenidi ai Sasanidi. Il "Palazzo" di Kuh-I Khwaja* (Seistan), Turin 1964,

گولینی معتقد بود که بنا و همینطور نیایشگاه به دوره هخامنشی متعلق است. اما به طور کلی در نهایت پذیرفت که

در این خصوص شک و تردید وجود دارد. نیز بنگرید به:

Schippman, *Feuerheiligtümer*, pp. 60-70; D. Faccena, *A new fragment of wall-painting from Ghāga Sahr (kūh-I Hvāga)*, EW 1981, p. 93.

^۵ - E. Herzfeld, *Archaeological History of Iran*, London 1935, p. 67.



تصویر شماره ۱: کوه خواجه پلان آتشکده

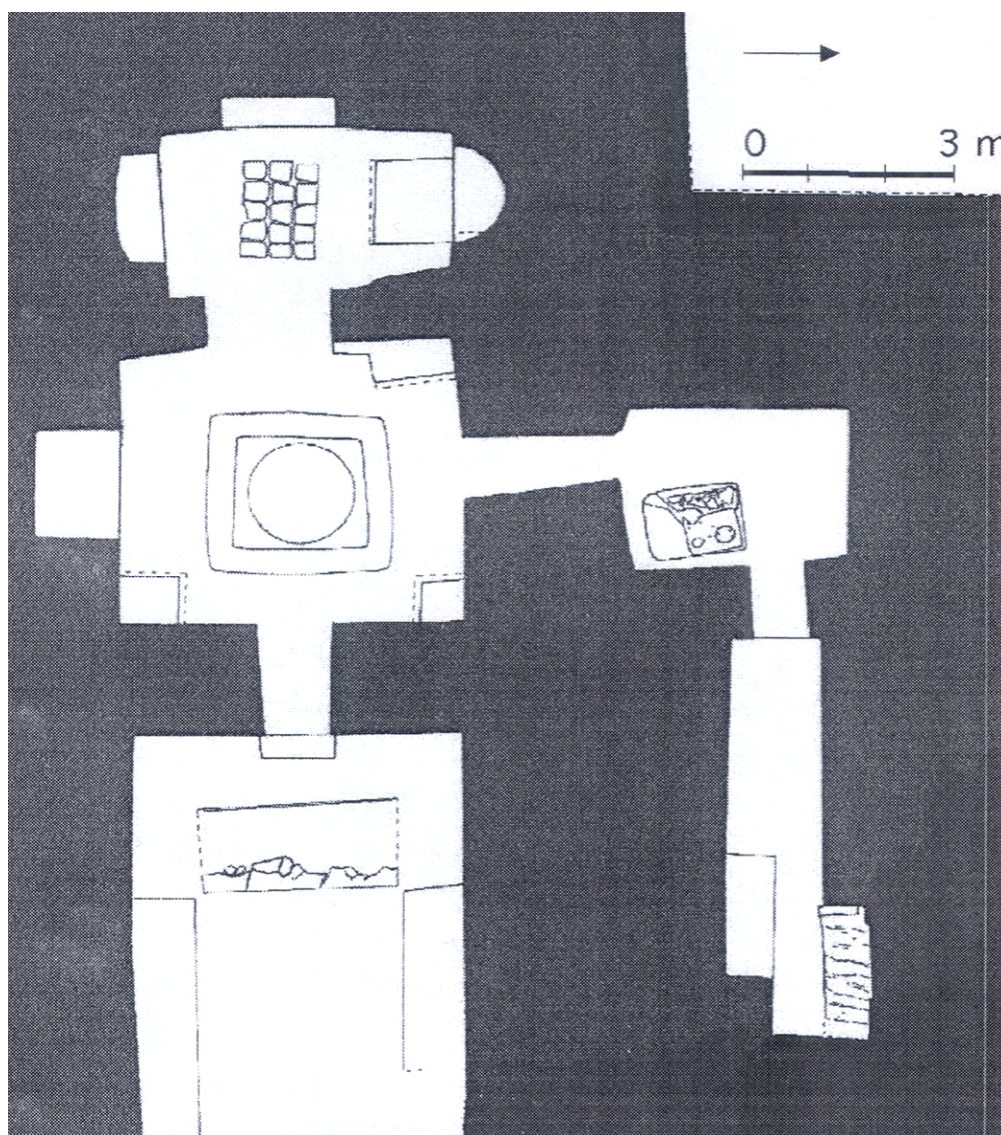
(after M.Mousavi, Kuh-e Khadjeh.) Un complexe religieux de l'est iranien, Dossiers d'Archeologie n 243, mai 1999, p.83

کاوشهای تازه ای که به عهده باستان شناسان ایرانی است لوازم و اشیایی را در مرکز چهارتاقی آشکار نمود که پیشتر ناشناخته بود. حوضچه مربع شکلی که پراز خاکستر بود.^۶ ساختار مشابهی هنگام کاوش آتشکده مل هیرم در مرکز تاق اصلی پیدا شد. در نخستین مرحله تاریخ آن به طور فرضی و احتمالی به سده دوم میلادی منسوب گردید. تابه حال که باستان شناسان لهستانی در مل هیرم کاوش کرده اند نیایشگاه آتش در بخش اصلی و به صورت روباز بوده و از قرار معلوم چهار تا زاتاقها با نیایشگاه دارای ارتباط بوده اند (تصویر ۲). در مرکز تاق اصلی و درون یک بخش مربع شکل که به وسیله یک حصار کوتاه جدا کننده شکل داده شده بود و تقریباً ۲۷ تا ۳۰ سانتیمتر بلندی و ۴۵ سانتیمتر پهنا داشت (یک آجر در پهنا و دو آجر در ارتفاع) بقایای آتشدان پیدا شد. بدنه آتشدان گلی و تقریباً به شکل وقواره یک ساعت شنی است (ارتفاع بخش باقیمانده آتشدان به اندازه ۷۶ سانتیمتر) و قطر دایره پایه آتشدان ۱/۴۶ متر و کلفتی باریک ترین نقطه ۱/۳۰ متر بود. پیش

^۶ M.Mousavi. Kuh-e Khadjeh. un complexe religieux de l'est iranien Dossiers d'Archeologie n 243. mai .

از مرحله آخر ساخت این بناها فضای بین بدنه آتشدان و دیوار کوتاه محصورکننده با شن و پوشش نازکی از گل پر شده است (تصویر ۳ و ۴). در نتیجه فضای بین آتشدان و دیوارهای حوضچه ای به یک لایه با کف جدید تبدیل شده اند که همچنین باعث بلند شدن ارتفاع این بخش بین ۲۷ تا ۳۰ سانتیمتر شده است.

چند سال پیش باستان شناسان ایرانی که دربندیان حدود ۲۰ کیلومتری مرز ترکمنستان کار کردند، ساختار بزرگی را با تزیینات باشکوه و درجه یک گچبری آشکار نمودند، که تاریخ آنها به سده پنجم میلادی باز می گشت.^۷



تصویر ۲. اتاقهای آتشکده، کاوشهای سالهای (۲۰۰۲-۱۹۹۸) طرح از ماریان واگنر

7. M.Rahbar, art.cit.



تصویر ۳. اتاق اصلی آتشکده



تصویر ۴. مل هیرم. بقایای آتشدان درون ساختار حوضچه ای شکل

کاربری دقیق و درست تمامی مجموعه ساختمانی بندیان هنوز آشکار نیست و به مطالعات جزئی تر بیشتری نیاز دارد. به هر حال از آنچه که کشف گردید اتاق صلیبی شکل (۴/۱۰ × ۴/۱۰ متری) روشن و آشکار است. این اتاق در مرکز بخش غربی مجموعه ساختمانی واقع شده (تصویر ۵). و برخی از مراسم مذهبی در آن انجام می شده که این موضوع با توجه به وجود آتشدانی که تا اندازه ای در جنوب شرقی مرکز اتاق قرار دارد آشکارتر می گردد

آتشکده بندیان در زمانی مشابه یا اندکی پیشتر از آتشکده ای که در تخت سلیمان پیداشد ساخته شده. بیشتر اتاقهای مهم آتشکده تخت سلیمان یعنی اتاقهای (A, B) در بخش مرکزی قرار گرفته اند. اتاق A که پشت ایوان بزرگ واقع گردیده نمونه ای از یک چهارتاق است که به وسیله راهرو احاطه شده.

گودال مربع شکلی (۲/۵۵×۲/۵۵) در وسط کف چهارتاق وجود دارد که طی کاوشهای مؤسسه باستان شناسی آلمان کشف شد.^۸ دو جفت از پایه ستونهای کوتاه از جنس سنگ شن به وسیله حفره ای کوچک سطح بالایی را سوراخ کرده بودند و در مجاورت این حفره در غرب و در شرق آن نیز وجود دارند، مشابه آنها هر چند با حفره هایی کوچکتر در بخش شمالی هم قرار گرفته اند در حالی که به سمت اتاقهای بخش شمالی پیشرفت کرده اند، از آنها با عنوان نیمکتهای سراسری، سکو یا میز تعبیر و یاد شده است.

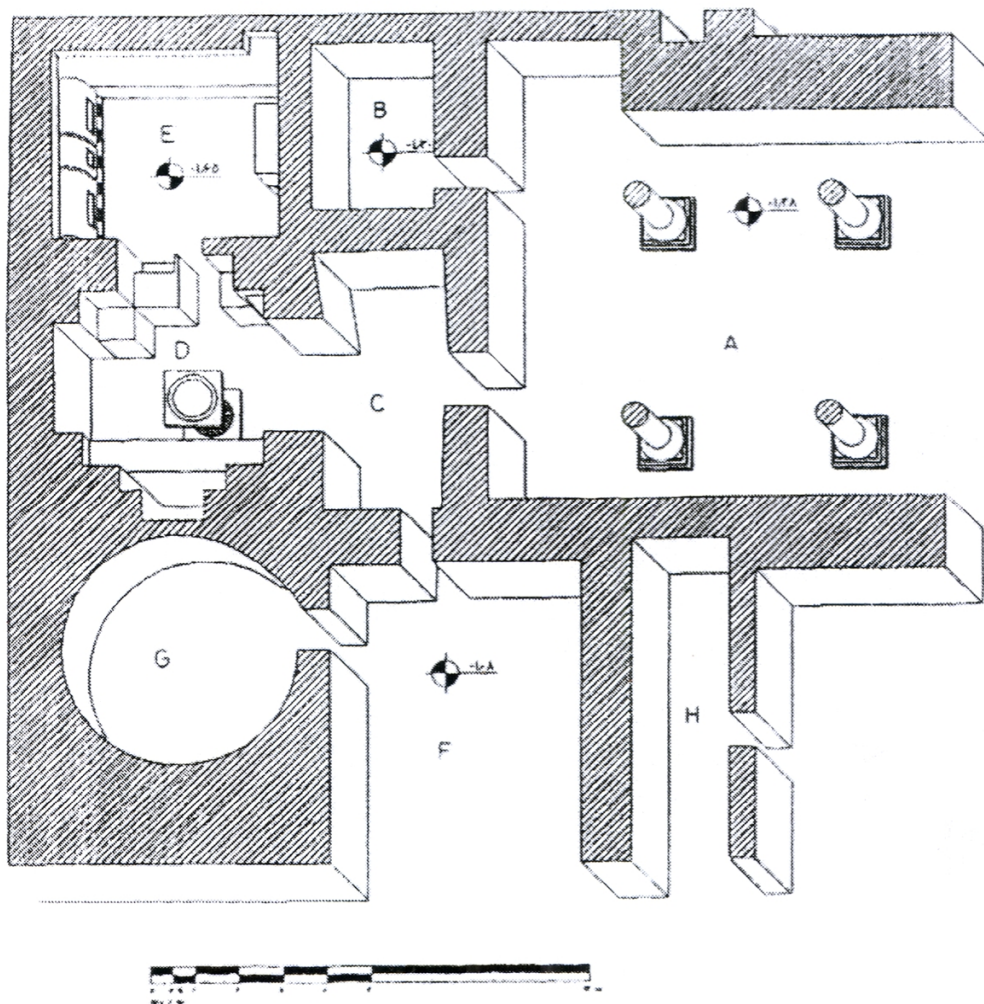
به طور مستقیم در شرق چهارتاقی اتاق کوچکتر (B) با طرح صلیبی شکل مشخص شد (تصویر ۶). در مرکز آن حوضچه ای مربع شکل با راهرو پیداشد که اندازه آن (۳×۳) متر و ارتفاع لبه آن ۳۵ سانتی متر بود.

راهرو بلندی که در سمت شمال - جنوب امتداد دارد این بخش از ساختمان را از مجموعه پیچیده تالار جدا کرده، مجموعه پیچیده ای که دارای یک تالار دراز است و توسط یک جفت از جرزه های صلیبی شکل سنگین به دو بخش نابرابر تقسیم گردیده و یک ساختار مربع که درون آن به وسیله چهارتاق و اتاقچه تورفته صلیبی شکل ساخته شده (تصویر ۷). در آن جا سه پایه و شالوده آتشدان پیدا شد.^۹ دو پایه آتشدان هم در تورنگ تپه در مرکز ساختمان کوچک چهارتاقی شکل یافت گردید که ساختار درونی آن به طرح صلیبی متمایل بود. به وسیله چهاردهنه تاق و توسط یک دیوار نسبتاً نازک پشتی بسته شده بود. به استثنای بخش جنوبی که در واقع اجازه دسترسی به آتشکده را فراهم می کرد (تصویر ۸). چندین ساختار و تأسیسات مربع شکل کوچک و راست گوشه خشتی هم پیدا شد که بیشتر در دهانه غربی قرار داشتند.^{۱۰} پس برای تاریخ گذاری در مورد پنج ساختمان که کاربری مذهبی دارند آگاهی داریم. حال با وجود آتشدان به همراه یا بدون پایه آتشدان یا ساختار حوضچه ای شکل. با توجه به یافته ها و داده های باستان شناسی حاصل از شناسایی مل هیرم نقش و جایگاه آنها را می دانیم و به طور قطع این موضوع برای توضیح و تحلیل کاربری بخش مرکزی آتشکده تخت سلیمان نیز سودمند است.

^۸ R. Nauman et al, Takht-i Suleiman und Zendan-i Suleiman, Vorläufiger Bericht über die Ausgrabungen in den Jahre 1963 und 1964, AA 1965, pp.621-623; R. Naumann, Takht-i Suleiman and Zindan-i Suleiman, *Survey of Persian Art* XIV, 1967, pp.3050-3066.

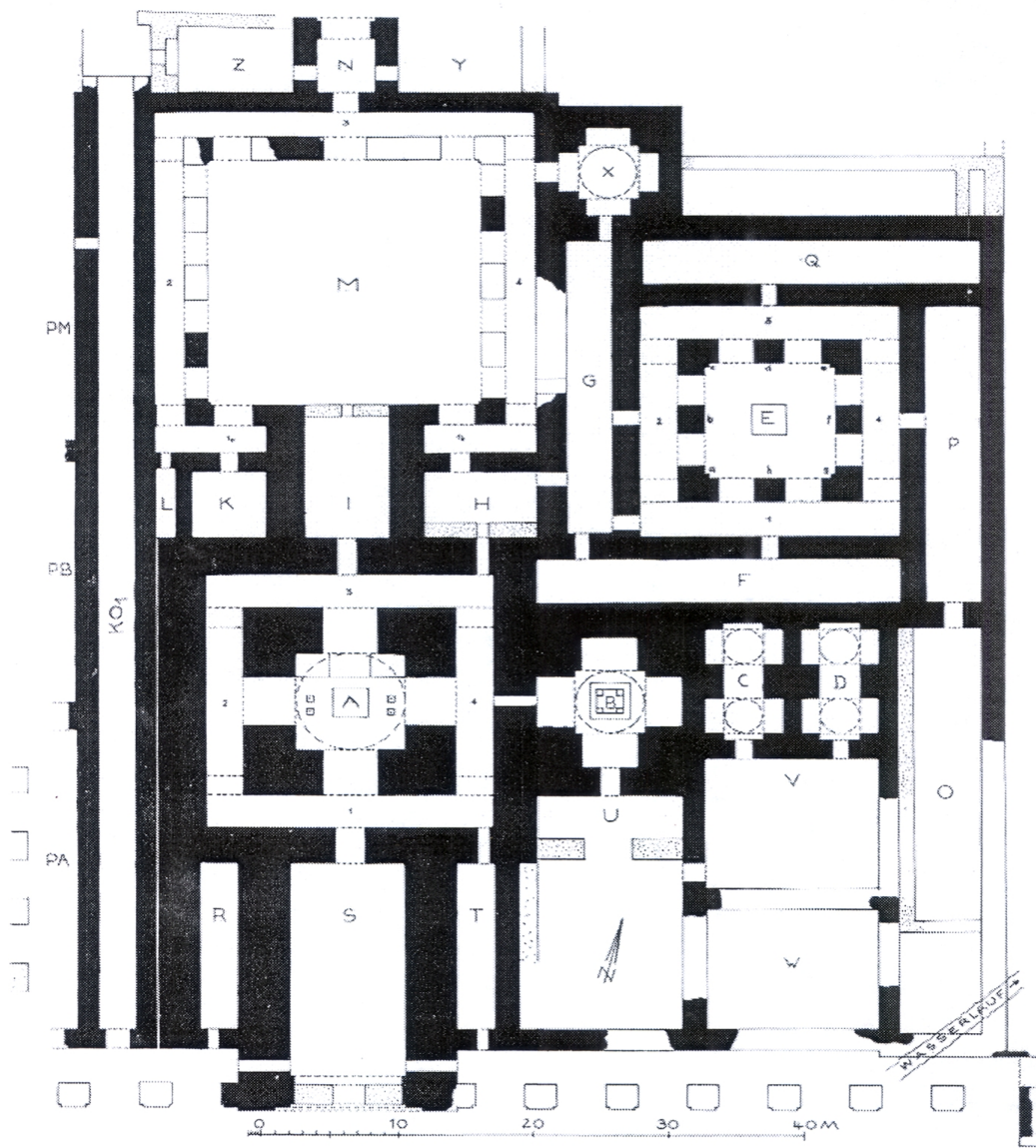
^۹ R. Naumann, D. Huff et al., Takht-i Suleiman, Bericht über die Ausgrabungen 1965-1973, AA 1975, pp.152-156.

^{۱۰} R. Boucharlat in R. Boucharlat, O. fouilles de Tureng Tepe, Paris 1987, pp.51-75.



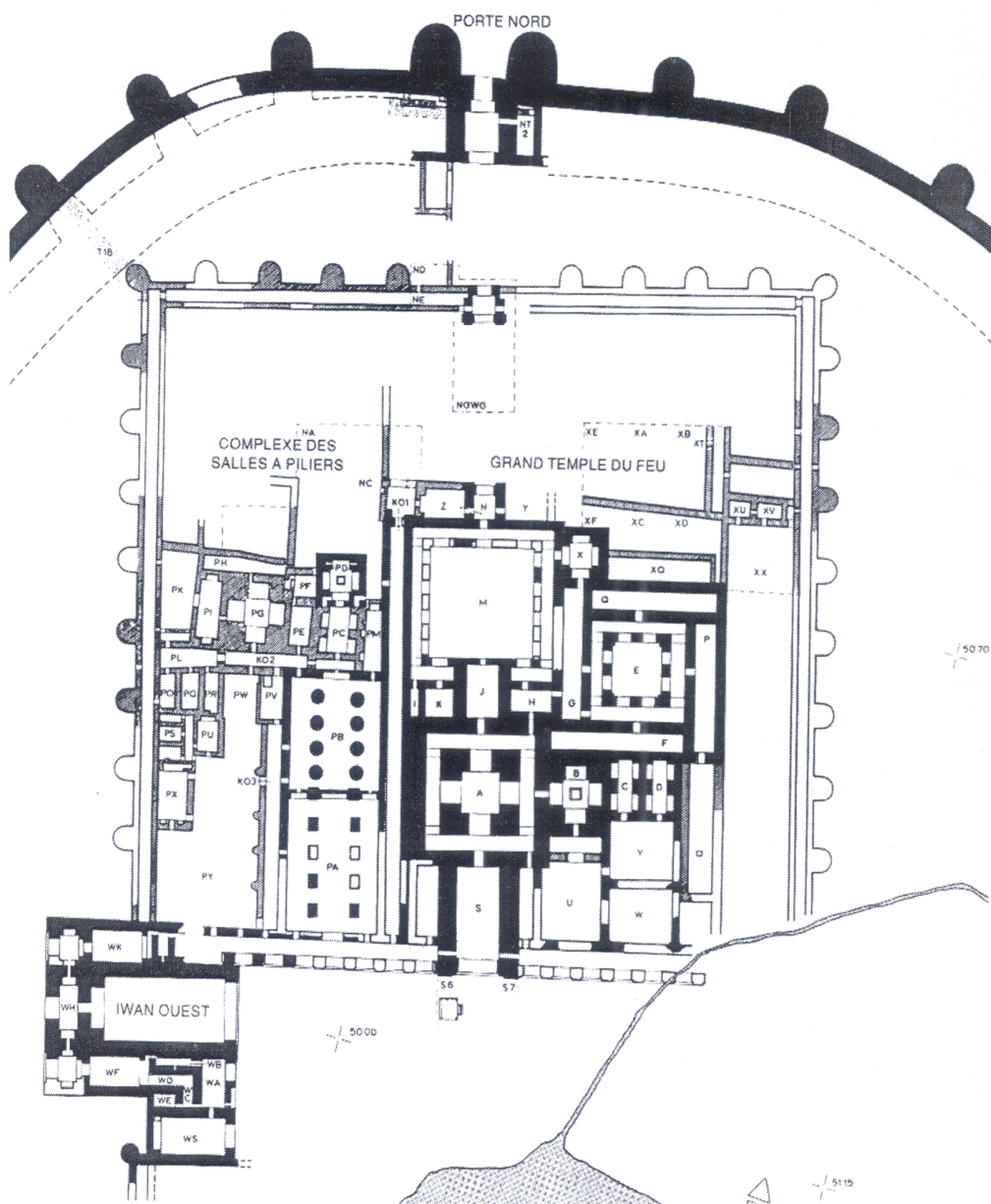
تصویر ۵. ساختمان ساسانی با آتشدان

after M.Rahbar,decouverte de panneaux de stucs Sasanides a Dargaz,Dossiers d, Archeologie n,mai,1999,p.63).

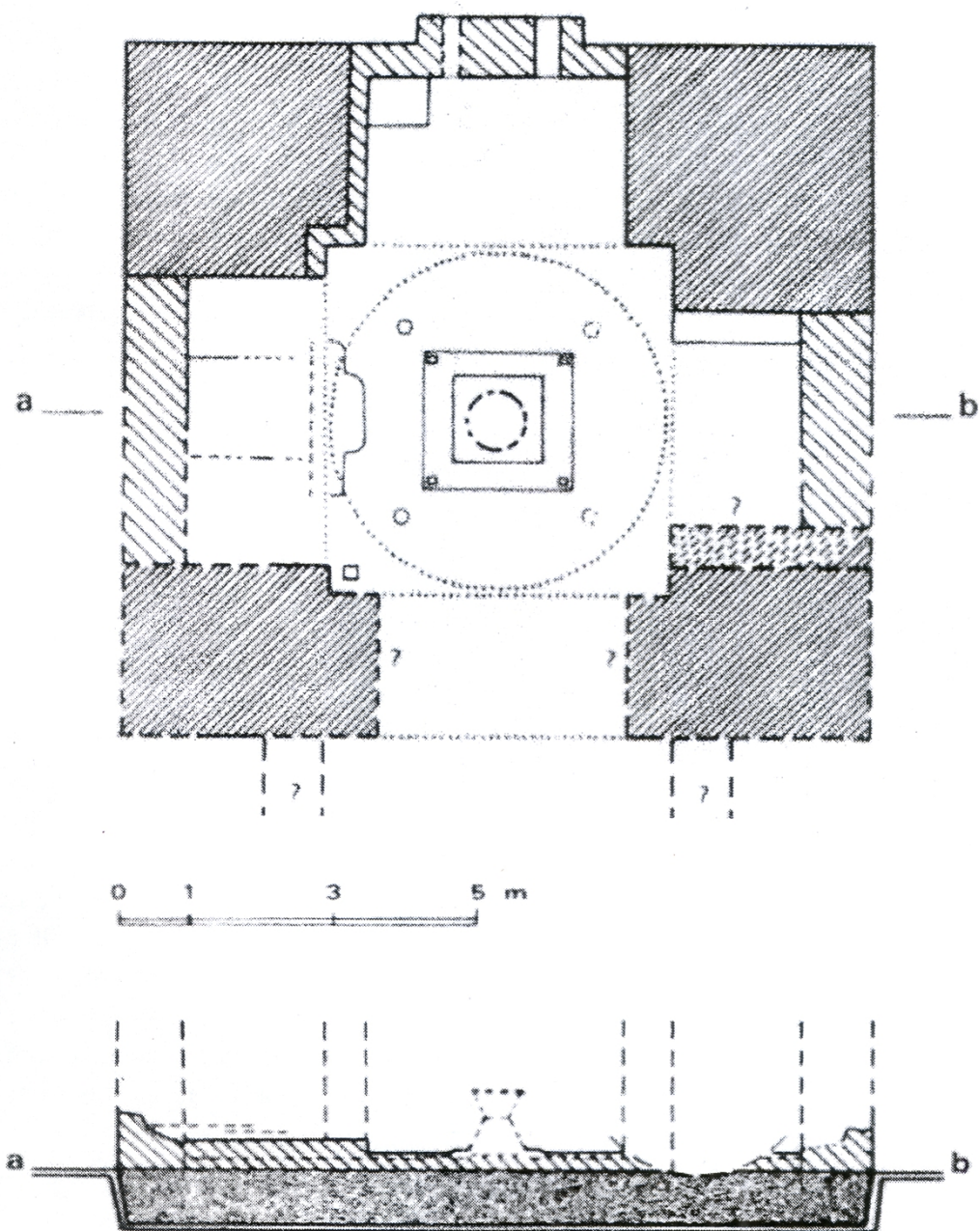


تصویر ۶. تخت سلیمان پلان معبد آذرگشنسپ

(after R.Naumann, Die ruinen von Tacht-e Suleiman und Zendan-e Suleiman, Berlin, 1977, abb.24).



تصویر ۷. تخت سلیمان



تصویر ۸. تورنگ تپه. پلان و مقطع آتشکده

(after R.Boucharlat, Temples du feu Sasanides, Dossiers, d' archeologie n 243, mai 1999, p.67)

رودلف ناومان الگویی را برای آتشکده های باستانی دنبال می نمود که توسط آندره گدار^{۱۱} (A. Godard) و کورت اردمن^{۱۲} (K. Erdman) مطرح شده بود و به اتاق A تخت سلیمان به عنوان آتشگاه توجه می کرد، محلی که در آن آتش مقدس نگه داری می شد و با این که در اتاق A در معرض تماشای عمومی نبود اما در معرض دید نیایشگرانی بود که در راهروها و دالانهای مجاور می گشتند^{۱۳}.

مری بويس در مورد اتاق (A) از تفسیری که با نظرهای کاوشگران تخت سلیمان مطابقت کند پرهیز کرد. بر اساس پیشنهادی که مطرح کرد جایگاه مرکزی توانایی این که یک راه عبوردسته جمعی و بزرگ بوده باشد را داشته. او فرضیه اش را بر این مبنا قرارداد که ناحیه مرکزی تخت سلیمان به طور اساسی برای زائرانی که از آذرگشنسپ دیدار می کرده اند به عنوان ورودی مجموعه بوده. بر مبنای باور او مراسم ((تخت نشین)) در آن جا در نهایت امنیت و مسائل حفاظتی انجام می گردیده که به عنوان بخشی خارج از آتشکده در اتاق (PD)^{۱۴} بوده. بر اساس تصور او طرح و ترکیب آن این چنین بوده که بازدید کنندگان برای دسترسی به شمال برای شستشو و غسل در اتاق بزرگ (A) توقف می کرده اند، سپس از میان تاقدانها و رواقها به عبور خود تاجلوی ساختمان جنوبی ادامه می دادند و پیش از وارد شدن به تالارستون دار (PA) خودشان به نیایشگاه (PD) نزدیک می شدند.

گروپ تلاش کرد الگویی را در مورد استفاده از آتشکده های باستانی خلق کند. او سه گونه از پلانهای معابد را که تا به امروز مورد استفاده قرار می گیرند را مطرح نمود.^{۱۵} آگیاری (agyari) متداول ترین نمونه است و مشتمل بر ساختمانی راست گوشه در مرکز است و اتاق مربعی که گنبد داشت و آدریان (adurian) نامیده می شد و توسط راهرویی احاطه شده بود. در یک طرف هم اتاق دومی است که در مهر (dar-e mehr) یا یزشن گاه (yazišn-gah) نامیده می شد که همینطور دارای ارتباطهای مستقیمی با آدریان بود یا این که توسط راهرویی از آن جدا گردیده بود. گونه دوم از معبد آدریان تنها اتاق مربع شکل گنبد داری را با راهرویی پیرامونی در بر می گرفت، گاهی وقتها نیز اتاق گنبد دار مجزایی بود که در حیاطی بزرگ قرار داشت و فاقد یزشن گاه بود. گونه سوم معبد در مهر است که مشتمل بر یک یا چند یزشن گاه و البته بدون آدریان است. گروپ آتشکده های باستانی بسیاری را شناسایی کرد که دارای دو اتاق مهم هستند. او به یک جفت از اتاقها در این پلان توجه کرد که گونه آگیاری را با آدریان معلوم می کنند یا یزشن گاه های بیشتری را که پیش از این در روزگار باستان وجود داشتند و کارکرد دو تا از اتاقها را به وسیله استفاده از نیایشهای جدید مذهبی به عنوان نمونه شرح داده.

در میان آتشکده هایی که در بالا مطرح کردیم کوه خواجه، مل هیرم و تخت سلیمان اتاق (A, B) دارای دو اتاقند. آنها همتایان معابد تازه آگیاری شکل با آدریان هستند و آیا دارای یک یا تعداد بیشتری یزشن گاه هستند؟ در حقیقت اتاق شماره یک در معبد مل هیرم برخی از ویژگیهایی را

¹¹ K. Erdmann, *Das Iranische Feuerheiligtum*, Leipzig 1941, p. 64 ff.

¹² A. Godard, *Les monuments du feu, Athar-e Iran III*, 1938, p. 12.

¹³ R. Naumann, *AA* 1965, pp. 661-662.

¹⁴ M. Boyce, *On the Zoroastrian Temple Cult of Fire*, *JAOS* 95, 1975, pp. 464-465.

¹⁵ G. Gropp, *art. Cit.*, pp. 148 ff.

در بر دارد که در این جا به درد یزشن گاه یا جایگاه ستایش می خورد. جایی که موبدان آیینها و جشنهای نیایشهای مذهبی را برگزار می کردند. تورفتگیهای کم عمقی در دیوار است (تاقچه جنوبی ۱/۹۶ متر پهنا ۶۰ سانتیمتر عمق و ۱/۴۰ متر ارتفاع دارد؛ تاقچه غربی ۱/۷۰ متر پهنا و ۴۴ سانتیمتر عمق دارد و بخش بالایی تاق ضربی تاقچه طی کاوش به دست نیامد). کف دو تا از تورفتگیهای پیدا شده حدود ۲۷ سانتیمتر بلندتر از سطح کف خود اتاق بودند. کف تورفتگی سوم که در دیواره شمالی واقع شده بود، ۶۰ سانتیمتر بلندتر از سطح کف اتاق شماره یک بود. این تورفتگی نیز کاملاً عمیق بود (۹۰ سانتیمتر)، ۱/۶۰ سانتیمتر پهنا و تنها ۷۰ سانتیمتر ارتفاع داشت. در برابر آن سکویی گلی وجود داشت (۱/۷۰ × ۱/۲۰ × ۱/۳۴ متر) که با یک لایه ضخیم از گچ پوشیده شده بود. روی سطح سکو و جلوی تاقچه ها بسته شده بود و اجاقی وجود داشت که با آجرهایی احاطه شده بود. در مرکز اتاق شماره یک شاه نشین کوتاه و راست گوشه ای بود که با ۱۵ تا از آجرهای دوزنقه ای شکل در یک ردیف قرار داشت. این سازه احتمالاً به عنوان محلی برای قراردادن ظرفها مورد استفاده قرار می گرفت یا جایگاهی گرد بود که به همراه چهارتا از تورفتگیهای مدور به آن اشاره کردیم و به نظر می رسید سطح کف آن اندکی از سطح کف شاه نشین بلندتر شده بود.

به نظر خیلی محتمل می آید که اتاق درونی پشت اتاق مربع کوه خواجه نیز به درد کارکرد مشابهی می خورد. اما برای اثبات این موضوع به دلایل قاطع بیشتری حاصل از کاوشهای باستان شناسی نیاز داشتیم.

گردگروپ به اتاق (A) تخت سلیمان به عنوان یک آدریان توجه کرد، آتش مقدس در آن پایه گذاری شده بود و پایه مجسمه های کوچک سنگی و سکو برای پیکره ها قرار داده شده بود.^{۱۶} به هر حال در پرتوی کشف و شناسایی مل هیرم است که می توانیم اتاق (B) تخت سلیمان را که دارای ساختار حوضچه ای شکل است را شناسایی کنیم و به نظرمی رسد که این احتمال که آدریان باشد احتمال کاملی است و ممکن است که با توجه به کارکرد و موقعیت این اتاق کوچک و مجزا این موضوع بیشتر مورد پشتیبانی و تصدیق قرار گیرد. در یک زمان غنای تجهیزات اتاق (A) با تجهیزات یزشن گاه و آدریان تا یک اندازه پذیرفته شده بود ((به دلیل احترامی که به آتش می گذاشتند از عرضه مستقیم و پیشکش به آتش پرهیز می کردند)).^{۱۷} باور مری بویس این بود که اتاق (A) بخشی از راه دسته جمعی بوده که از دروازه شمالی به کنار دریاچه منتهی می شده و فکرمی کنم که در گزارشهای نخست کاوشهای تخت سلیمان به آن اشاره شده است. شرح و توصیف کامل بعدی در مورد تجهیزات این اتاق است که به ما اجازه می داد وضعیت پایه ستونهای آجری پیدا شده در اتاق (A)، محلی که در امتداد دهانه شمالی بود را مشاهده کنیم هرچند که اجازه عبور از اتاق را نمی داد.

وانگهی گذرگاه جنوبی در اتاق (B) و دیوار خارجی راهرو پیرامون اتاق (A) پهنتر از دیگران است بیشتر در مورد تعیین موقعیت اتاقهایی که اظهار نظر کردیم که به دریاچه منتهی می شدند (بنگرید

¹⁶ Id., ibid., p.170.

¹⁷ M. Boyce, Ātaškada EIr, vol.III, P.9.

به تصویر شماره ۶) که به ما این اجازه را می داد تا تصور کنیم این جاورودیهای اصلی دو تا از اتاقها بوده. نیایشگران برای وارد شدن به حیاط بزرگ (M) به یک باره فشار می آوردند و این رخنه آنان در بخش شمال شرقی خارج از کنترل بود. راهرویی که طول آن تقریباً ۴۶ متر است دو تا از بخشهای ساختمان را از هم جدا کرده که در واقع بیشتر راهی مطمئن برای زایرانی بود که که مایل بودند به بخش غربی وارد شوند.

بر طبق فرضیه گروه معبدهای جدید آگیری به طور معمول جایگاه آتش بهرام (آتش پیروزی) هستند. در این حالت می توانیم انتظار معابد باستانی مشابهی را داشته باشیم؟

همانطور که در بالا اشاره کردیم طرح عمومی سه تا از معابد باستانی که به عنوان نخستین نمونه های معابد آگیری مورد توجه قرار گرفتند فاقد هرگونه از ویژگیهای خاصی بودند که برای معابد آگیری قائلیم. فاقد دو تا از اتاقهای مرتبط با هم بودند و فاقد سازه حوضچه ای شکلی بودند که مخصوص نیایشهای مذهبی بود و در مرکز اتاق آدریان قرار داشت. سازه های کاملاً بزرگی که درون معبدهاست آتشدانهای هستند که همچنین برای نگه داشتن آتش مقدس یا آتش بهرام به اندازه کافی بزرگند.

به طور قطع آنچه که به عنوان پوششی دوباره در کوه خواجه مطرح بود نمی توانست این کار ویژه را تمام کند زیرا که خیلی کوچک بود. تنها ۵۱ سانتیمتر بلندی داشت و آخرین پله روی آن تنها ۲۵/۵ سانتیمتر ارتفاع داشت.^{۱۸} احتمالاً از محل دیگری به این جا آورده شده بود، ممکن است پس از این که آتش بهرام در معبد قرار داده شده آورده شده.

در بقایای معبد تخت سلیمان قطعات چندی از آتشدانهای سنگی یافت شد که شبیه بدنه ستونهای سنگی بودند که بین ۶۰ تا ۹۰ سانتیمتر ارتفاع داشتند. انتهای آنها شبیه مکعب سه بعدی بود که البته اندکی پهنتر از خود بدنه ستون بودند. همچنین سکوی بشقابی شکل و مربعی پیدا شد که ممکن بود تاج یا سرستون یکی از بدنه ستونها بوده. اما این نسبتاً قطعی است که هیچکدام از این سکوها درون سازه حوضچه ای شکل در اتاق (B) قرار داده نشده بودند، زیرا که آخرین پله سنگی گرد بود و ۶۵ سانتیمتر قطر دایره آن بود. در حالی که انتهای آتشدان سنگی که به شکل مکعب سه بعدی بود قطر دایره ای در حدود ۲۵ تا ۳۷ سانتیمتر داشت.

با وجود این به نظر می رسد آتشدان استواری که درون سازه حوضچه ای شکل در مل هیرم پیدا شد هر آنچه را که برای نگه داشتن آتش بهرام نیاز بوده را انجام داده. اگرچه بخش بالایی آن به دست نیامد. که می تواند اندکی این تردید را ایجاد کند که شکل آن به صورت ساعت شنی بوده یا نه؟ و البته توسط لوحه گلی مربع حفاظت می شده. قطعات شکسته لوحه با لایه ضخیمی از اندود گچ صیقل داده شده پوشیده شده بوده که در زمان کشف روی سطح کف اتاق پراکنده شده بود. می توان ادعا کرد که لبه سطح افقی باریک ترین نقطه تنه ستون آتشدان به طور دقیق در ارتفاعی به اندازه ۱/۲ بلندی قرار داده شده بود و پایین ترین سطح از بخش باقیمانده تنه ستون در حدود ۴۳ سانتیمتر ارتفاع داشت. ممکن است فرض کنیم که بلندی تنه ستون به میزان ۸۶ سانتیمتر بوده.

¹⁸ Das, medische, Grabrelief von Deh Now, Stir 28, 1999, p. 25. این موضوع همچنین نظر هوف است.

پس ممکن است ارتفاع کلی آتشدان در حدود ۱۰۶ سانتیمتر بوده (۲۰ سانتیمتر را هم برای لوحه مربع روی آن اضافه نمودیم).

کلفتی پا بین ترین بخش تنه ستون ۱/۴۶ سانتیمتر است. بنابراین حدس می زنیم که اطراف لوحه مربع رویی سرانجام ۱/۵۰ سانتیمتر اندازه داشته، اگر تناسب قرینه حفظ شده بود.

فرق نمایان آتشدانهای رسم شده روی سکه ها و مهرهای اشکانی و ساسانی با آتشدانهای سنگی کوه خواجه و تخت سلیمان به طور کامل برجسته و قابل توجه است. و این نمونه که دربندیان پیداشد و آتشدانی که در مل هیرم یافت شد روی پایه پله ای نبوده. بنابراین به نظر می رسد شباهت بین آتشدانهایی که روی پایه های پله ای شکل قرار دارند نشان از طبقه بندی متفاوت آتش دارد، در باور من آتش آذران (Ātaš-i Aduran) نسبت به آتش بهرام (Ātaš Bahram) فروزان تراست.

سه پایه ستون پله ای بزرگ در مرکز اتاق (PD) تخت سلیمان پیدا شد. ورودی این اتاق از میان تالار ستون دار درازی عبور می کرد که مشتمل بر تعدادی از ویژگیهایی بود که ظاهراً اهمیتی مذهبی داشتند. رودلف ناومان این تالار ستون دار را با طرحهای کاخ دامغان، تپه میل، کاخ شماره ۲ کیش و سروستان مقایسه کرده و اتاق (PD) در غرب مجموعه ترکیبی تخت سلیمان را به عنوان گونه ای از محلی که نماز خانه کوچک بوده تفسیر و تحلیل کرده. جایی که در آن نیایشهای مذهبی در حضور تعدادی از نیایشگران انجام می شده.^{۱۹} به هر حال مری بویس به بحث و تحلیل در مورد اتاق اصلی نیایشگاه آذرگشنسپ توجه کرد، به دست یابی به آنچه که توسط راهروهای بلند و تالارهای ستون دار حمایت می شد.^{۲۰} هوف مقایسه ای بین طرح مجموعه های ترکیبی غرب و معبد های قرون وسطی و جدید جنوب ایران به عمل آورد که این هم بیشتر بیانگر این موضوع بود که آتش آذران، فروزان تراز آتش بهرام بوده. هوف تصویری کرد تفاوتی که در طرحها و کارکردهای معبد های تخت سلیمان آن هم در یک زمان دیده می شود را می توان به وسیله تفاوت طبقه بندی نیایش آتش در آنها شرح داد.^{۲۱}

این موضوع با آنچه که در بالا به آن اشاره نمودیم به طور کامل مطابقت می کرد. یافته های نویسنده حاضر طرح خاصی را بازگو نمی کرد، اما وسایلی که در ارتباط با معبد باستانی بود و همچنین آتشدانی یکپارچه بدون پایه پله ای شکل که درون ساختار حوضچه ای شکل حصار کشی شده قرار داشت به ما این اجازه را می دهد طبقه بندی خاصی را در مورد آتشی که در آن مورد نیایش قرار می گرفت را تعیین کنیم.^{۲۲}

¹⁹ R. Naumann, *AA* 1975, pp. 156-160.

²⁰ M. Boyce, *JAOS* 95, 1975, p. 465.

²¹ D. Huff, *Der Takht-i Nishin in Firuzabad*, *AA* 1972, p. 532.

²² این موقعیت برای آتشکده شرقی و ایرانی که در سرخ کتل پیدا شده یعنی اتاقهای (دال و ب) متفاوت است. یعنی محلی که آتشدان مربع شکل در آن به خوبی حفظ شده بود. در آن جا حفره کم عمقی با آثار سوختگی و خاکسترهایی در مرکز سطح رویی آن وجود داشت. کناره های آتشدان به وسیله نقش برجسته پرنده های بزرگ تزیین گردیده بود.

D. Schlumberger, M. Le Berre, G. Fussman, *Sourkh Kotal en Bactriane*, Paris 1983, pp. 41-42.

تزیینات آتشدان و شکل خاص آن بیشتر با استوپاهای بودایی (Stupas) قابل مقایسه بود و گواهی بود بر نیایشگاه آتش در منطقه شرق ایران.

می توانیم چنین پیشنهاد کنیم که اتاق (PD) تخت سلیمان محلی بوده که آتش آذران در آن مورد نیایش قرار می گرفته و نه تنها با وجود پایه پله ای شکل حمایت می شده بلکه همچنین توسط آتشدانی که روی آن بوده و اندازه های آن قابل تصور است مراسم درون آن شکل خاصی داشته . اندازه پایین ترین پله مربع شکل از بین سه پایه پله ای یافت شده در اتاق (PD) که از آجرهای پخته شده ساخته شده $1/63 \times 1/63$ متر است. در حالی که بالاترین آنها که مدور بود از سنگ ساخته شده بود و کلفتی آن در حدود ۶۵ سانتیمتر بود. بنابر این کلفتی آتشدانی که زمانی روی آن قرار داشته نمی توانسته بزرگتر باشد.

به طور قابل تصویری آتشدانی که در تورنگ تپه روی دو پایه پله ای قرار داشت هم دارای اندازه مشابهی بوده. اولین پایه پله که تقریباً راست گوشه بود $1/10 \times 1/10$ متر بود. آثار مدور باقیمانده سطح رویی پله بالایی احتمالاً برای قرار دادن پایه آتشدان ساخته شده بود که قطر دایره آن برابر با ۵۴ سانتیمتر بود.^{۲۳}

بنابراین هردو آتشدان یعنی آتشدان اتاق (PD) تخت سلیمان و آتشدان تورنگ تپه به طور قابل توجهی باریک تر از آتشدان معبد مل هیرم هستند. اما احتمالاً در میزان بلندی مشابه اند. موقعیت مشابهی را در بندیان می توانیم مشاهده کنیم. آتشدانی که در این محل پیدا شد دارای سه پایه پله ای بود، بدنه ستونی که به شکل ساعت شنی بود و روی آن هم سه پایه قرار گرفته بود. ارتفاع آتشدان ۱۰۲ سانتیمتر بود. بالاترین پله روی آتشدان $1/25 \times 1/25$ متر بود و در مرکز تورفتگی مدوری داشت که بین ۸ تا ۱۰ سانتیمتر عمق داشت. می بایستی تأکید کنیم آتشدانی که از بندیان به دست آمده، منحصر به فرد ترین و کامل ترین آتشدانی است که تاکنون پیدا شده. در واقع تاکنون می توانیم به آتشدانهای بندیان و مل هیرم به عنوان ارزشمند ترین و جذاب ترین در نوع خود اشاره کنیم. همچنین آتشدانهایی که در آتشکده های جدید ایرانی احیاء گردیده اند از خشت یا گل ساخته شده اند. این یک انطباق صرف و خشک و خالی نیست، بلکه ما می توانیم یک سنت دراز مدت را ببینیم که دست کم از دوره ساسانی اقتباس گردیده.

اختصارها:

AA	Archäologischer Anzeiger
AMIN	Archäologische Mitteilungen aus Iran, Neue Folge
Elr	Encyclopaedia Iranica
EW	East and West
StIr	Studia Iranica
JAOS	Journal of the American Oriental Society

*پی نوشت:

این نوشتار برگردانی است از :

Kaim, Barbara., 2004 "Ancient Fire Temples In The Light Of The Discovery At Mele Hairam" in *Iranica Antiqua*, vol. XXXIX. PP. 323-337.

²³ R. Boucharlat, op. cit., p. 65.

